

تحلیل مشروعیت اعمال حبس ابد با تکیه بر معناشناسی تطبیقی واژگان

نعیمه ذوالفقاری

دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

N.zolfaghari479@gmail.com

حمید مسجدسرای (نویسنده مسئول)

استاد، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

h_masjedsaraie@semnan.ac.ir

عباس زراعت

استاد، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

zeraat@kashanu.ac.ir

چکیده

حبس یکی از موضوعات محل بحث در حوزه حقوق کیفری و فقه اسلامی است که می‌بایست مورد توجه حقوقدانان قرار گیرد. این واژه در زبان عربی، نه صرفاً به معنای زندان و محبوس کردن در یک مکان تنگ و مشخص، بلکه شامل هر نوع ارتباط و منع فرد از تصرفات آزادانه خویش است که ممکن است در خانه، مسجد یا هر مکان دیگری واقع شود. بررسی تطبیقی تعاریف، کارکردها و مصادیق حبس ابد به شناخت دقیق‌تر کاربرد حقوقی و فقهی این مجازات کمک می‌کند و در عین حال تفاوت‌های معنایی و اجرایی، اهمیت تفکیک و دقت مفاهیم در به‌کارگیری اصطلاحات قانونی را دوچندان می‌سازد.

این مقاله با هدف بررسی تطبیقی و ریشه‌یابی مفاهیم «حبس» و «سجن» در ادبیات لغوی، فقهی و حقوق کیفری ایران و کشورهای عربی، به تحلیل دقیق و عمیق این واژگان می‌پردازد. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از روش اسنادی و منابع کتابخانه‌ای، به واکاوی مبانی فقهی و لغوی و نیز بررسی قوانین کیفری منتخب (مانند قوانین مصر، عراق، اردن) و مقایسه آن‌ها با ادبیات حقوقی ایران می‌پردازد. و درصدد پاسخ به سوال است که آیا کاربرد واژه حبس متناظر با لزوم نگهداری متهم در زندان است؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در عرف فارسی «حبس» و «زندان» (سجن) اغلب مترادف یکدیگر به کار می‌روند، اما در قوانین کشورهای مسلمان عرب زبان و متون فقهی، تفاوت‌های ماهوی و کاربردی قابل توجهی میان این دو مفهوم وجود دارد. درک دقیق تمایز میان «حبس» و «سجن» نه تنها برای ترجمه صحیح و تفسیر دقیق متون فقهی و حقوقی ضروری است، بلکه در تدوین قوانین و اجرای عدالت کیفری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش بر لزوم توجه به این تفاوت‌های معنایی برای رعایت حقوق مکتسبه افراد و جلوگیری از تفسیر موسع مجازات‌ها، به ویژه در مورد «حبس ابد»، تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها

حبس، حبس ابد، سجن، معناشناسی، زندان.

Analysis of the Legitimacy of Life Imprisonment with an Emphasis on Comparative Semantics of Terms

Abstract

Imprisonment is a topic of considerable debate in the field of criminal law and Islamic jurisprudence and warrants close attention from legal scholars. In the Arabic language, this term does not merely refer to confinement in a narrow, specific place such as a prison, but encompasses any form of restriction or prevention of an individual from exercising their freedoms, which may occur at home, in a mosque, or elsewhere. A comparative examination of the definitions, functions, and instances of life imprisonment helps achieve a more precise understanding of the legal and jurisprudential application of this punishment. Simultaneously, the semantic and procedural differences underscore the importance of conceptual accuracy in the use of legal terminology.

This article aims to conduct a comparative investigation and trace the roots of the concepts of “*habs*” and “*sijn*” in the lexicon, jurisprudence, and criminal law literature of Iran and Arab countries, providing a detailed and in-depth analysis of these terms. The study employs an analytical-descriptive approach, utilizing documentary and library resources, to explore the jurisprudential and lexical foundations and examine selected criminal laws (e.g., Egypt, Iraq, Jordan), comparing them with Iranian legal literature. It seeks to answer whether the use of the term *habs* necessarily entails the confinement of the accused in prison.

The findings indicate that although in Persian usage *habs* and *zندان* (*sijn*) are often used interchangeably, Arabic legal texts and jurisprudential sources reveal significant substantive and functional differences between the two concepts. A precise understanding of the distinction between *habs* and *sijn* is essential not only for accurate translation and interpretation of legal and jurisprudential texts but also for lawmaking and the administration of criminal justice. This study emphasizes the need to consider these semantic distinctions to safeguard individuals’ acquired rights and prevent the broad interpretation of punishments, particularly in the case of life imprisonment.

Keywords

Imprisonment, Life Imprisonment, *Sijn*, Semantics, Prison

۱. مقدمه

حبس به عنوان یکی از شایع‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین مجازات‌های سالب آزادی، همواره جایگاهی ویژه در حقوق کیفری و فقه اسلامی داشته است. این مجازات از یک سو به عنوان ابزار تأمین نظم اجتماعی و پاسخ به رفتار مجرمانه به کار گرفته شده و از سوی دیگر، به دلیل آثار عمیق انسانی، اجتماعی و حقوق بشری آن، همواره موضوع نقد و بازاندیشی بوده است. به‌ویژه «حبس ابد» به مثابه شدیدترین شکل سلب آزادی، پرسش‌های بنیادینی را در باب مشروعیت، ماهیت، حدود و شیوه اجرای این مجازات در نظام‌های حقوقی معاصر، به‌ویژه نظام حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی، برمی‌انگیزد.

در ادبیات حقوقی فارسی، واژه «حبس» غالباً معادل و مترادف «زندان» تلقی شده و در قوانین موضوعه ایران نیز، در بسیاری از موارد، بدون تفکیک مفهومی، برای بیان مجازات سالب آزادی به کار رفته است. این در حالی است که بررسی دقیق منابع لغوی عربی، متون فقهی و قوانین کیفری کشورهای عرب‌زبان نشان می‌دهد که «حبس» واجد مفهومی موسع‌تر از «سجن» است و الزاماً به معنای نگهداری محکوم در زندان به عنوان مکان معین و بسته نیست، بلکه هر نوع منع، محدودسازی و جلوگیری از تصرفات و رفت‌وآمد آزادانه شخص را - فارغ از مکان اجرا - در بر می‌گیرد. این تمایز مفهومی، در مباحث نظری فقهی و نیز در سیاست‌گذاری کیفری، به‌ویژه در تعیین حدود و شیوه اجرای مجازات حبس ابد، از اهمیت بنیادین برخوردار است.

انگیزه نگارش پژوهش حاضر، ابهام و خلط مفهومی رایج میان دو واژه «حبس» و «سجن» در ادبیات حقوقی ایران و پیامدهای تقنینی و اجرایی این خلط، به‌ویژه در حوزه مجازات‌های سالب آزادی بلندمدت و دائمی است. این ابهام، نه تنها موجب گسترش تفسیر موسع مجازات‌ها و تشدید غیرضروری کیفر شده، بلکه در مواردی با اصول فقهی همچون قاعده درء، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و رعایت حقوق مکتسبه محکومان در تعارض قرار گرفته است. از این منظر، بازخوانی مفهومی و معناشناختی «حبس» و نسبت آن با «سجن»، می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح نگرش تقنینی و قضایی نسبت به مجازات حبس، به‌ویژه حبس ابد، باشد.

در این پژوهش، «حبس» به عنوان مفهومی فقهی-حقوقی، به معنای منع و محدودسازی شخص از تصرفات آزادانه خویش تعریف می‌شود که می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند نگهداری در زندان، حبس خانگی، اقامت اجباری، نظارت الکترونیکی یا ملازمه با مأمور تحقق یابد. در مقابل، «سجن» مفهومی خاص‌تر است که ناظر به نگهداری شخص در مکان معین و رسمی زندان می‌باشد. «حبس ابد» نیز در این چارچوب، نه صرفاً به منزله زندانی کردن همیشگی محکوم، بلکه به عنوان شدیدترین شکل محدودسازی مستمر آزادی فرد تا پایان عمر مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

در خصوص پیشینه تحقیق، مطالعاتی در حوزه تفاوت مفهومی «حبس» و «سجن» در منابع فقهی انجام شده است؛ از جمله پژوهش الهام، وطنی و حسن‌زاده (۱۳۹۶) که به بررسی این تمایز در ادبیات فقهی پرداخته‌اند. با این حال، این آثار عمدتاً بر منابع فقهی متمرکز بوده و به بررسی تطبیقی قوانین کیفری کشورهای عرب‌زبان، تحلیل سازوکارهای تقنینی معاصر و به‌ویژه واکاوی مفهوم و مشروعیت «حبس ابد» نپرداخته‌اند. همچنین، در این آثار، تأثیر این تمایز مفهومی بر نظام کیفری ایران و امکان‌سنجی اجرای اشکال غیرسجنی حبس، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر درصدد است این خلأ علمی را با رویکردی تطبیقی و میان‌رشته‌ای جبران نماید.

مسئله اصلی تحقیق آن است که آیا «حبس» در فقه اسلامی و حقوق کیفری لزوماً به معنای نگهداری محکوم در زندان است و آیا می‌توان اجرای حبس ابد را منحصرراً در قالب زندان دائمی موجه و مشروع دانست؟ در همین راستا، سؤال اصلی پژوهش به این صورت طرح می‌شود: آیا کاربرد واژه «حبس» در متون فقهی و قوانین کیفری، ملازمه‌ای ذاتی با «سجن» دارد یا می‌توان مصادیق غیرزندان‌محور را نیز ذیل آن پذیرفت؟

فرضیه تحقیق بر این اساس استوار است که «حبس» مفهومی اعم از «سجن» بوده و تقلیل آن به زندان، حاصل تسامح عرفی و تحولات تقنینی متأخر است؛ از این رو، اجرای حبس ابد به صورت زندان دائمی، نه تنها لزوماً مستند به معنای دقیق فقهی و لغوی نیست، بلکه می‌تواند با اصول فقهی و الزامات عدالت کیفری معاصر در تعارض قرار گیرد.

این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، ابتدا به بررسی معناشناسی تطبیقی «حبس» و «سجن» در منابع لغوی و فقهی می‌پردازد، سپس کاربرد این مفاهیم را در قرآن کریم و قوانین کیفری منتخب کشورهای عرب‌زبان (مانند مصر، اردن و عراق) تحلیل کرده و در نهایت، با تطبیق یافته‌ها بر نظام حقوقی ایران، به ارزیابی مشروعیت و امکان بازتعریف مجازات حبس ابد در چارچوبی فراتر از زندان می‌پردازد. نتیجه این بررسی می‌تواند زمینه‌ساز ارائه قرائتی دقیق‌تر، انسانی‌تر و منطبق‌تر با مبانی فقه اسلامی و سیاست جنایی نوین از مفهوم «حبس» در نظام حقوقی ایران باشد.

۲. معناشناسی حبس و سجن

در زبان عربی واژگان متعددی به معنی و مفهوم در بند بودن دلالت دارند. مانند واژه سجن، حبس، وقف، ایقاف، حصر، اثبات، اقرار، امساک و مانند این‌ها، مشهورترین آن دو واژه سجن به معنی زندان و حبس است، از نظر لغوی آنچه که از واژه «زندان» به ذهن متبادر می‌شود در درجه اول مکانی است که افراد مجرم در آنجا نگهداری می‌شوند. اما لفظ زندان در مقام مترادف با واژه «حبس» به عنوان کیفر نیز بکار می‌رود. هرچند که در اکثر مواد قانونی در ایران، واژه حبس جهت تبیین مجازات سالب آزادی بکار می‌رود و در عرف این دو لغت مترادف با یکدیگر کاربرد دارند، اما ملاحظات در تعریف این دو واژه خاصه در ادبیات حقوقی کشورهای مسلمان عرب زبان و زبان عربی وجود دارد که بررسی خواهد شد.

راغب معتقد است: «السجن» در زندان نگه داشتن است. واژه سجن به همین معنی در آیات قرآن هم با فتحه و هم با کسره سین خوانده شده است. مانند «رب السجن أحب الی...»^۱ (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق) و حبس «مانع شدن از آمد و شد است، چنانکه خداوند متعال فرموده: «تحبسونهما من بعد الصلاة...»^۲ یعنی بعد از نماز، از آمد و شد آن دو نفر مانع شوید تا... و نیز حبس به معنای محلی که آب را در خود نگه می‌دارد، یعنی آب انبار هم آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق).

در صحاح اللغة آمده: «سجن با کسره سین به معنی زندان است و السجن با فتحه سین، مصدر و به معنای زندانی کردن می‌باشد. سجنه نیز به معنای حبسه است، یعنی او را بازداشت کرد.» (جوهری، ۱۴۱۰ ق: ۲۱۳۳) و ذیل حبس تصریح می‌دارد: حبس ضد تخلیه و گشودگی است. حبس و احتباس هر دو به یک معنی هستند. این واژه هم متعدی استعمال می‌شود و هم غیر متعدی. «تحبس علی کذا» یعنی خود را به آن امر مقید و پاینده ساخت (جوهری، ۱۴۱۰ ق: ۹۱۵).

در قاموس، سجنه به معنی او را حبس کرد و «سجن الهم» یعنی اندوه خود را پنهان نمود، آمده و در ادامه بیان می‌دارد که سجن با کسره سین به معنی محبس و زندان است (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ ق: ۲۳۵) و حبس بازداشت کردن است و محبس به محل بازداشت و بازداشتگاه گفته می‌شود (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ ق: ۹۶).

در لسان العرب گفته شده السجن یعنی زندان و السجن با فتحه سین، مصدر است به معنای زندانی کردن. (ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقي، ۱۴۱۴ ق: ۲۰۳). در معنی حبس بیان شده به معنای جلوگیری کردن و بازداشتن است و اضافه می‌کند که حبس ضد تخلیه و گشودگی است و محبس، اسم مکان و محل هستند و معنای بازداشتگاه می‌دهند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۴۴). با توجه به معانی ذکر شده چنین به نظر می‌رسد که واژه سجن به معنی زندان است و در بیان تعریف سجن از حبس یاد شده اما کمتر در بیان معنای «حبس» به زندان و یا سجن اشاره شده است. در واقع به جای واژه «سجن» از «حبس» استفاده شده و سجن به حبس معنا شده اما در تعریف «حبس» به بازداشتن و محدود کردن و مانع شدن اشاره شده ولی «حبس» به «سجن» معنا نشده است. لذا در معاجم و لغت نامه‌های ذکر شده به نظر واژه حبس معنایی وسیع‌تر از سجن دارد و گستره حبس به دایره شمول «سجن» محدود

^۱ آیه ۳۳ سوره یوسف

^۲ آیه ۱۰۶ سوره مائده

نگریده است. لذا مفاد و مفهوم واژه حبس عبارت است از محدود ساختن کسی و منع او از آمد و شد آزاد و تصرفات آزادانه. بنابراین در مکان آن ویژگی خاصی شرط نمی‌باشد و وجود برخی امکانات و یا عدم آن تأثیری در تحقق این نامگذاری ندارد، شرط عمده این است که محبوس از آمد و شد آزاد ممنوع و مقید باشد لذا گفته شده زندان از نظر شرع محبوس کردن در یک مکان تنگ نمی‌باشد، بلکه عبارت است از اینکه شخص بازداشت شود و از تصرف‌های خودخواه و آزادانه ممنوع گردد. این بازداشت چه در خانه‌ای باشد و چه در مسجدی و چه از این طریق که شخص مورد نظر را زیر سرپرستی اجباری خود درآورد و یا اینکه وکیل و مأموری را بر او بگمارند که در همه جا با او باشد و از او جدا نشود، مفید معناست (منتظری، ۱۳۷۹: ۲۸)

بعضا در قرآن کریم و احادیث شریف میان «زندان» و «حبس» در معنی تفاوتی نگذاشته‌اند و هر دو به معنای منع هستند. خداوند در قرآن فرموده: «... إِنْ أَنْ يَسْجُنْ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۳ و نیز فرموده: «تَحْبِسُونَهَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ»^۴. در حدیث آمده است: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ» (متقی، ۱۴۱۹: ۶۰۸۲) (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱۰۸). اما در قانون موضوع متفاوت است: به عنوان مثال قانون مصر لفظ «زندان» (المصدر) را به معنای مدتی که کمتر از سه سال نیست و «حبس» را به زمان نگهداشتن دانسته که بین بیست و چهار ساعت و سه سال اشاره دارد. لفظ «زندان» (با کسره در سجن) به محل اجرای حکم اطلاق می‌شود. کویت از کلمه «حبس» (المصدر) برای مجازات‌های کوتاه و بلند مدت، چه یک روز باشد یا ابدی، استفاده می‌کند و از «زندان» (با فتحه در سجن) برای مجازات استفاده نمی‌کند. بلکه «زندان» (با کسره در سجن) به محل اجرای حکم ارجاع داده می‌شود.

در فرهنگ‌های مختلف فارسی حبس به معنای زندانی کردن، بازداشت کردن، (ابد، تأدیی، با اعمال شاقه) (معین، ۱۳۳۸: ۱۳۷۱) بند کردن، قید کردن، بستن، توقیف، زندان، بند، مقابل اطلاق و وقف (دهخدا، ۱۳۳۰: ۲۰۸) آمده است و از واژه زندان نیز به محبس، حبس‌گاه جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاه دارند، بندیکانه، قیدخانه (معین، ۱۳۷۱: ۱۷۵۳) و سجن (دهخدا، ۱۳۳۰: ۴۸۵) تعبیر شده است. لذا به نظر در منظر اهل لغت در زبان فارسی حبس و زندان قرابت بیشتری دارند و این دو در یک معنا و مفهوم ذکر گردیده‌اند.

در این مجال توجه به یک نکته ضروری است و آن اینکه از منظر لفظ «حبس» واژه‌ای مشترک در زبان فارسی و عربی است با این تفاوت که براساس معاجم و لغت نامه‌ها، در زمان فارسی حبس در معنای زندان به کار رفته اما در ادبیات عرب، حبس متعلق معنای محدودیت است نه لزوماً زندان. چرا که حتی در خصوص اموال نیز از حبس در معنای محدودیت در اعمال مالکیت سخن گفته شده و به ممنوعیت صاحب مال از انتقال، اتلاف و بهره‌وری از مال خود و یا خارج ساختن ملک از دارایی مالک اطلاق می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

در زبان عربی واژه حبس در دو معنا استعمال شده است: اول اباحه مجانی منافع برای جهتی یا شخصی معین و یا عنوانی از عناوین (مغنیه، ۱۳۷۹: ۸۶) و دوم به معنای بازداشتن مجرم یا متهم از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد محدودیت برای او و در باب‌های صلات، حج، ایلاء، کفالت، قضاء، حدود و قصاص از آن سخن گفته‌اند.

حبس در معنای نخست در اصطلاح فقه عبارت است از این‌که فردی، عینی معین از ملک خود را برای جهتی معین از جهات خیر، حبس کند؛ بدین‌گونه که منافع آن برای همیشه یا مدتی معین در آن جهت یا برای آن عنوان یا شخص صرف می‌گردد (خوئی، بی تا: ۲۵۵). اما عین در ملک مالک می‌ماند و وی از تصرفات غیر مزاحم با استیفای منفعت ممنوع نمی‌گردد (گلپایگانی، ۱۴۱۷: ۱۴۲).

بنابراین محرز است که در زبان عربی واژه «حبس» معنایی عام‌تر از واژه «حبس» در زبان فارسی داشته و باید توجه داشت که اشتراک لفظی بین زبان فارسی و عربی، نباید مقنن را از ظرافت‌های معنایی غافل نماید. چه بسا در مواردی حکم به حبس شده نه

^۳ یوسف آیه ۲۵

^۴ مائده آیه ۱۰۶

زندان و مقنن به تأسی از شارع از «حبس» در تبیین کیفر مدد بسته است در حالی که مراد از «حبس»، محدودیت و وضع ممنوعیتی بوده نه لزوماً «زندان».

۲,۱ واژگان مرتبط با معنای «حبس» در زبان عربی

در زبان عربی واژگان و اصطلاحاتی وجود دارد که از نظر زبانشناسی یا فقهی با مفهوم حبس مرتبط و شایسته ذکر شده است، از جمله الحجر (با فتحه و به دنبال آن سکون) به معنای جلوگیری است و منظور فقها از آن، جلوگیری از معاملات مالی، مانند منع شخص نادان. واضح است که منظور از جلوگیری در حجر، جلوگیری از معامله و تصرف در اموال است. در حبس مصلحت حبس کننده و در حجر مصلحت مجبور ملاک است. (جاسم کاظم، ۱۴۴۲ق. ۲۰۲۱ م)

الحصر (با حرف فتحه و به دنبال آن سکون) به معنای جلوگیری و محصور بودن است، همانطور که در فرموده خداوند متعال آمده است: وجعلنا جهنم للكافرين حصيراً^۵، فقها از اصطلاح «حصار» برای اشاره به ممنوعیت انجام مناسک حج، استفاده کرده‌اند.

وقف از نظر لغوی، به معنای «حبس» است. اما «حبس» به اشخاص و «وقف» به اعیان اطلاق می‌شود. اعتقال در زبان، به معنای بازداشت است. گفته می‌شود: «اعتقل لسانه» (یعنی او را از سخن گفتن بازداشتیم) به معنای جلوگیری از صحبت کردن است. در اصطلاح حقوقی، فرد بازداشت شده کسی است که قبل از محاکمه بازداشت شده است.

امساک در معنای لغوی با حبس مطابقت دارد، زیرا هر دو به معنای پیشگیری و ممانعت هستند. در قرآن کریم آمده است: «و کسانی از زنان شما که مرتکب فحشا می‌شوند، ... آن‌ها را در خانه‌ها حبس کنید»^۶، به این معنی که آن‌ها را در خانه نگه دارید. فقها هنگام بحث در مورد روزه نیز از اصطلاح «امساک» استفاده می‌کنند. و منظور خودداری از چیزی است که روزه را باطل می‌کند. اثبات و حبس معنای لغوی یکسانی دارند، همانطور که در فرموده خداوند متعال^۷ آمده است: «و هنگامی که کافران علیه تو نقشه کشیدند تا تو را زندانی کنند ...»^۸. و ثابت نگه داشتن و مانع مهاجرت شدن مراد است. اثبات، از نظر فقها، حکمی است که وجود چیز دیگری را تأیید می‌کند، که موضوع آن دعوی یا مانند آن است.

الاسر از نظر لغوی، ریشه کلمه «اسیر» است. اسارت، غل و زنجیری است که زندانی با آن بسته می‌شود. مجاهد و ابن عربی در تفسیر آیه «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیمأ و أسیراً» گفته‌اند: اسیر، زندانی است. (ابو غده، ۱۹۸۷م: ۴۴)

الحجز به معنای پیشگیری است و با بازداشت مطابقت دارد. در تونس، این اصطلاح به یک اقدام احتیاطی اشاره دارد. آن‌ها آن را بازداشت احتیاطی یا «تعليق» پیشگیرانه می‌نامند. این می‌تواند به عنوان ضمانتی برای اجرای حکم یا وسیله‌ای برای اطمینان از صحت تحقیقات باشد.^{۱۰}

الإقامة الجبرية با معنای لغوی حبس مطابقت دارد و در خارج از زندان، مانند خانه‌ها و شهرها و موارد مشابه اعمال می‌شود. شیخ احمد وائلی در بیان احکام زندان در اسلام معتقد است «در حقوق اسلامی مفهوم زندان در لغت با واژگان متعدد از قبیل حبس، وقف، اثبات و سایر کلماتی که حاوی ممنوعیت هستند بیان شده است» (وائلی، ۱۳۸۴: ۹) البته متداول‌ترین آن‌ها واژه‌های حبس و سجن است که از نظر برخی از محققین «هر دو دارای یک معنی کلی است و آن ممانعت از دخل و تصرف آزاد و جلوگیری از انجام اعمال آزادانه است.» (سپهری، ۱۳۸۲: ۷۶)

^۵ سوره اسرا آیه ۸

^۶ سوره نسا آیه ۱۵

^۷ "واللاتی یأتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهن أربعة منکم فإن شهدوا فأمسکوهن فی البیوت"

^۸ انفال آیه ۳۰

^۹ "وإذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک أو یقتلوک أو یخرجوک"

^{۱۰} قانون الإجراءات الجزائیة التونسية. فصل ۸۵

۲,۲ تعریف اصطلاحی حبس از منظر حقوقی

زندان در ماده (۳) آیین‌نامه سازمان زندان‌های ایران، ۱۱ تعریف شده و منطبق با ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، کیفر سلب آزادی به عنوان حبس معرفی شده و مدت، شرایط، قابلیت تبدیل به جزای نقدی و کیفرهای جایگزین، تأثیری در عنوان کیفر حبس ندارد. تقریباً در تمام مواد قانونی مستوجب سلب آزادی مقنن از واژه «حبس» بهره جسته و در مواد معدودی از جمله ماده ۶۶۹ (اصلاحی ۹۹) قانون مجازات اسلامی، برخلاف سیاق مرسوم، از واژه «زندان» در بیان مجازات مدد جسته است. موادی مانند ماده ۵۶ ق.م.ا، در تبیین نظام نیمه آزادی، حبس را مستلزم در زندان بودن دانسته و یا فصل هفتم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین»، با تأکید بر واژه «زندانی» ذیل فصل «محبوسین» بر تناظر این دو واژه در ادبیات تقنینی کشور تأکید می‌کند. در حالی که برای حبس، تعریف قانونی نداریم. در ترمینولوژی حقوقی، واژه حبس به معنی «سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳ ش) در صورت تفکیک این دو واژه از یکدیگر بدون وجود ابهام در مکان، نحوه اعمال کیفر و امکان اعمال نهادهای ارفاقی، می‌توانست دستگاه قضا را در نحوه تعامل با محکومین رهنمون گردد. برخی به این تفاوت توجه کرده و معتقدند: «اصطلاحاً زندان یکی از مجازات‌های کیفری می‌باشد که براساس تصمیم مراجع قضایی مطابق قوانین و مقررات موضوعه آزادی فرد برای مدت محدود یا نامعین سلب می‌گردد به همین دلیل زندان را به عنوان مجازات سالب آزادی تعبیر نموده‌اند. البته منظور از سلب آزادی همان محرومیت است و محرومیت از آزادی، محرومیت از پرداختن به حرفه، ممنوعیت از سکونت در محل اقامت خود، دوری از خانواده و ممنوعیت‌های دیگریست که مهم‌ترین آن رفت و آمد است.» (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۱۶۲)

۲,۳ تعریف اصطلاحی حبس در منظر فقهی

حبس، از منظر فقها مجازاتی است به معنای بازداشتن مجرم یا متهم از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد مانع و محدودیت برای او و در لغت به معنای منع کردن، بازداشتن و مکان بازداشت است (جوهری، ۱۴۱۰ ق) (جمال الدین ابن منظور الأتصاری الرویفی الإفريقي، ۱۴۱۴ق) (طوسی، ۱۳۸۸: ۲۸۶) (طوسی، ۱۳۸۸: ۳۴۳) بنابراین مفهوم واژه حبس صرفاً ناظر به مانع شدن، محدود کردن شخص و بازداشتن او از دخالت و تصرف در امور خویش است و ویژگی‌های مکان حبس و میزان امکانات آنان در آن تأثیری ندارد (منتظری، ۱۳۷۹) به نظر برخی از صاحب نظران (ابن فرحون، ۱۴۰۶ ق) (منتظری، ۱۳۷۹) (ابن تیمیه، ۱۴۲۱ ق)، مفهوم حبس اعم از زندان است و با روش‌هایی مثل نگه داشتن فرد در مسجد یا منزل یا همراه بودن مستمر نگهبانان، نیز تحقق می‌یابد اما زندان بارزترین و کامل‌ترین مصداق حبس و واجد همه ویژگی‌های آن است؛ از این رو در بیشتر متون فقهی، حبس به معنای زندانی کردن به کار رفته است. (وائلی، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۱) اما درواقع حبس در ادبیات فقهی به معنای رایج سجن یعنی زندان نیست. اگرچه اکثر فقها فرق بین این دو واژه را به صراحت بیان نکرده‌اند اما برخی از پژوهشگران و محققان از جمله میرزای قمی در مقایسه معتقد است حبس اعم از سجن می‌باشد. سجن به (کسر سین) به معنای مکان معین و سجن (به فتح) به معنی زندانی کردن است درحالی که حبس به معنی مصدری، مطلق منع و بازداشت و سلب آزادی و محدود و محصور کردن است (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۵۷۷۲)

کتانی از علمای برجسته قرن چهاردهم نیز به نقل از ماوردی در الاحکام السلطانیه آورده است که حبس شرعی همان زندانی کردن (سجن) در یک مکان تنگ نیست بلکه عبارت است از تعویق شخص و منع او از تصرفات آزادانه، خواه در خانه باشد یا در مسجد یا اینکه خصم یا وکیل او ملازم و همراه وی باشد (کتانی، بی تا: ۲۴۶)

^{۱۱} مستفاد از مواد ۱ و ۲ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۹/۰۴/۲۰، سازمان زندان‌ها سازمانی است که مستقیماً زیر نظر رئیس قوه قضاییه انجام وظیفه می‌نماید و دارای بودجه مستقل است.

برخی از فقها نیز بدون تصریح در تفاوت حبس و سجن، حبس را به نحوی تعریف نموده اند که مؤید و مبین تمایز است و در تعریف این واژه آورده اند: حبس عبارت است از منع شخص از تصرف آزاد، خواه در خانه باشد یا در مسجد و ملازمه با مکان خاص ندارد بلکه تنها غرض از آن محدودسازی شخص و منع وی از تصرفات آزادانه است (منتظری، ۱۳۸۷). صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۲ ش: ۲۸۱) نیز حبس را به معنی منع از تصرف دانسته‌اند.

در کتاب احکام المحبوسین آمده که تعبیر از حبس به سجن که اصطلاح خاص زندان‌های رسمی حکومتی است انصراف از معنای حقیقی به معنای مجازی است که صحت آن نیاز به قرینه اقوی دارد که باید در کلام معصومین ذکر شده باشد درحالی که کلام ایشان خالی از چنین قرینه‌ای است و این خود قرینه است بر این که مراد از حبس تضییق و محدودسازی است خواه در باغ باشد یا در منزل وسیع و... (خالصی، ۱۴۱۳ ق: ۳۰-۳۱) بنابراین مفهوم واژه حبس بیشتر به محدود کردن شخص و بازداشتن فرد از دخالت و تصرف در امور شخصی است و ویژگی مکان حبس موضوعیتی ندارد. لذا این محدودسازی و ممنوعیت می‌تواند در خانه یا مسجد باشد و یا به هر نحو محقق گردد و به نظر می‌رسد از آنجا که یکی از مصادیق منع کردن و جلوگیری کردن انسان از تصرف در امور، از طریق قرار دادن او در مکانی مانند زندان محقق می‌شد لذا تسامحاً حبس در معنای زندان به کار رفته و مصطلح گردیده است (سپهری، ۱۳۸۲ ش: ۷۴) (وائلی، ۱۳۸۴ ش: ۱۱)

تدقیق در کلام فقها موید این امر است که در حبس، مکان موضوعیت ندارد و دو واژه سجن و حبس به یک معنی نیستند و صرفاً می‌توان گفت رابطه بین آن دو عموم و خصوص مطلق است؛ به این معنا که هر سجنی حبس محسوب می‌گردد و با قرار گرفتن فرد در زندان برای وی منع در رفت و آمد و تصرف آزادانه ایجاد می‌گردد اما هر حبسی لزوماً سجن نیست و شاید از همین جهت برخی سجن را به حبس معنا کرده‌اند اما حبس را به سجن معنا نکرده اند (الهام، وطنی، & حسن زاده، ۱۳۹۶). این اختلاف در استعمال واژگان در قرآن کریم نیز مشهود است.

۲،۴ حبس و سجن در قرآن کریم

واژه «سجن» با مشتقاتش در نه مورد از آیات قرآن مجید، در سوره یوسف به مناسبت زندانی شدن این پیامبر بزرگ و پاک‌دامن به کار رفته است. واژه حبس در دو مورد در قرآن مجید به کار رفته است؛ اما نه در معنی زندان، یکی در سوره مائده، آیه ۱۰۶ و دیگری در سوره هود، آیه ۸. سومین واژه قرآنی زندان «امساک» است که تنها در یک مورد در قرآن مجید به معنی زندان آمده است و آن در مورد زندان زناکار است که در آیه ۱۵ سوره نساء دیده می‌شود و چهارمین واژه قرآنی در مورد زندان، «نفی» از «ارض» (بیرون کردن از سرزمین) است که در آیه ۳۳ سوره مائده آمده و واژه «ارجاء» است که در دو جا، در قرآن دیده می‌شود که در آیه ۱۱۱ سوره اعراف و آیه ۳۶ سوره شعراء آمده است.

آیه پانزدهم سوره نساء آیه جزای فحشا (جمعی از مولفین، ۱۳۹۴: ۳۶۳) و یا آیه حبس (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸) نام‌گذاری شده است. در این آیه به مجازات زنان شوهرداری که مرتکب فحشا می‌شوند، اشاره می‌شود. علامه در تفسیر المیزان می‌فرماید: (...در این جمله مساله حبس کردن دائمی زن مورد بحث را مترتب کرده بر شهادت دادن شهود، نه بر اصل وقوع عمل زشت. حکم نامبرده حبس دائمی است، به قرینه اینکه نهایت مدت حبس را مرگ زن قرار داده، و فرموده: (حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ) (تا مرگ ایشان را دریابد)، چیزی که هست تعبیر حبس ابد آن هم در زندان نیاورد، بلکه فرمود آن‌ها را در خانه‌ها نگه بدارید تا مرگشان فرا رسد. (طباطبایی، ۱۳۷۴) در این آیه خداوند تعالی نه از لفظ حبس استفاده نموده و نه سجن و سخن از واژه امساک است. امساک، باز داشتن است. مراد از امساک به اعتبار آنچه بدان اضافه می‌شود متفاوت است. برای مثال، امساک از مفطرات به معنای خودداری از استعمال آنها و امساک صید یا انسان به معنای گرفتن و نگهداشتن آن می‌باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶۹۴).

در معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية امساک را به القبض و الکف تعبیر کرده و معتقد است: فقها از معانی لغوی «امساک» در موارد مختلف استفاده کرده‌اند، منظورشان از «امساک» در جنایات، گرفتن با دست است. بنابراین، اگر مردی شخص دیگری را نگه

دارد و شخص سومی او را بکشد، از واژه امساک بهره گرفته شده و نیز منظور از «امساک» در روزه، خودداری از مبطلات روزه، امتناع از خوردن، آشامیدن و آمیزش جنسی است، همانطور که صریحاً بیان کرده‌اند. همچنین گفته شده که به معنای بازداشتن چیزی، چنگ زدن به آن، گرفتن و تصرف آن است و فرموده خداوند متعال: «پس آن‌ها را در خانه‌ها نگاه دارید» دستوری برای حبس کردن آن‌هاست. (عبد المنعم، ۱۳۷۸: ۲۹۳)

با توجه به مراتب فوق آنچه در قرآن کریم آمده «امساک» است تا زمان فوت و در این آیه نه تنها از واژه «حبس» بهره نبرده، بلکه به «سجن» نیز اشاره نکرده و به صراحت بر نگهداشتن در خانه تأکید نموده است. در سایر آیات نیز که از واژگانی مانند «حبس»، «حصر»، «نفی» و مدد گرفته است، هرچند اختیار حاکم در اعمال حکم حبس مانند حبس دو شاهد اهل کتاب بر وصیت،^{۱۲} حبس زن بدکاره، مشروعیت حبس اسرای مشرک^{۱۳} و امثالهم اشاره و تصریح گردیده و در مواردی مانند «احصروهم»^{۱۴} با به کار بردن فعل امر، علاوه بر اختیار بعضاً تکلیفی بر اعمال حبس را بر دوش مجریان حکم و حاکمان ذی صلاح قرار داده است، اما حجیتی بر این امر وجود ندارد که این حبس شدن به معنای مسجون بودن است. امکان دارد حبس و حصر و ایقاف و نفی و امساک واقع گردد اما ملازمه ای با بهره بردن از سجن ندارد. و همانطور که در داستان یوسف (ع) با توجه به شرایط «سجن» به آن اشاره شده اما در سایر موارد، بدان تصریح نگردیده است. لذا به نظر همانطور که در معنایی لفظی بیان شد، آن موضوعیت دارد، محدودیت و ممنوعیت و بازداشتن است و مکان لزوماً موضوعیت ندارد.

۲،۵ معنانشناسی حبس ابد

در لغت نامه دهخدا حبس ابد حبسی است که محکوم باید تا پایان حیات را در زندان بگذراند (دهخدا، ۱۳۳۰: ۱۰۰۵) در ترمینولوژی آمده حبس ابد، حبس در مدت عمر محکوم را گویند و در فقه حبس دائمی و حبس مخلد درهمین معنی بکار رفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳ ش). حبسی که زمان اتمام آن به اندازه طول عمر مجرم است، حبس ابد خوانده شده و بیان می‌گردد حبس ابد که به آن حبس دائم نیز می‌گویند، در حدود به عنوان مجازات تکرار کننده جرم سرقت حدی پس از هر بار اجرای حد، در مرتبه سوم و مجازات زن مرتد به کار می‌رود. در تعزیرات نیز مجازات ممسک و اکراه کننده قاتل به قتل شخص ثالث، حبس ابد است (ملک زاده، ۱۳۹۵).

ابن منظور در لسان العرب، الحبس را به معنای المنع و التوقیف تعریف می‌کند و المؤبد را به معنای الدائم و الخالد یعنی همیشگی و جاودانه خوانده، بنابراین، حبس المؤبد در لسان العرب به معنای بازداشت همیشگی و توقیف دائمی تفسیر می‌شود که فرد محکوم شده تا پایان عمر در حبس باقی می‌ماند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). ابن فارس در معجم مقاییس اللغة به ریشه حبس اشاره کرده و آن را به معنای الإمساك و المنع یعنی نگه داشتن و بازداشتن ذکر می‌کند و مفهوم المؤبد را به معنای همیشگی و غیر قابل زوال آورده است. بر این اساس، حبس مؤبد در این لغت‌نامه به معنای بازداشت دائمی و نگه داشتن همیشگی خواهد بود (القزوينی الرازی، ۱۳۹۹هـ/۱۹۷۹م) تاج العروس اثر مرتضی الزبیدی نیز همانند لسان العرب، الحبس را به معنای الإمساك و المنع و التوقیف تعریف می‌کند و گفته المؤبد به معنای الدائم و الخالد و همیشگی است. لذا حبس ابد در تاج العروس، بازداشت دائمی و ماندگاری حبس تا پایان عمر معنا می‌دهد. (الزبیدی، ۱۴۱۴ق)

فیروزآبادی در القاموس المحيط الحبس را به معنای المنع و الإمساك آورده و المؤبد را به معنای الدائم و الأبدی یعنی همیشگی و جاودان ذکر می‌کند. لذا حبس المؤبد یعنی بازداشت دائمی و حبس همیشگی (الفیروزآبادی، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م).

^{۱۲} سوره مائده. آیه ۱۰۶

^{۱۳} سوره توبه. آیه ۵

^{۱۴} سوره توبه. آیه ۵

در لسان العرب (ابن منظور)، سجن به معنای حبس و توقیف آمده و ابن منظور ذیل واژه سجن توضیح می‌دهد که این مفهوم به معنای نگه‌داشتن شخص و جلوگیری از حرکت او است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). مدی الحیاه به تنهایی در لسان العرب مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، اما مدی به معنای مدت و الحیاه به معنای زندگی است. ترکیب این دو به معنای مدت زندگی است. در معجم مقاییس اللغة (ابن فارس) نیز سجن به معنای حبس و توقیف تعریف شده است. (القزوینی الرازی، ۱۳۹۹هـ/۱۹۷۹م) ترکیب مدی الحیاه، مشابه لسان العرب، به صورت مستقل در این معجم موجود نیست، اما اصل واژه «مدی» به معنای مدت است و الحیاه به معنای زندگی، ذکر شده است.

الزبیدی در تاج العروس توضیحاتی مشابه دیگر معاجم ارائه می‌دهد و سجن را به معناهای مشابه حبس و توقیف توضیح می‌دهد و ترکیب مدی الحیاه در این معجم نیز به طور مستقیم مورد اشاره قرار نمی‌گیرد (الزبیدی، ۱۴۱۴ق). در القاموس المحيط (الفیروزآبادی) نیز همین گونه است. (الفیروزآبادی، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م)

باید توجه داشت که سجن مدی الحیاه به معنای زندان مادام‌العمر به طور مستقیم در معاجم مفصل عربی تعریف نشده است، بلکه این ترکیب از واژه‌های سجن (حبس) و مدی الحیاه (مدت زندگی) تشکیل شده است و به طور کلی به معنای حبس و نگهداری یک فرد تا پایان عمر اشاره دارد. این اصطلاح در متون حقوقی و قضایی به کار می‌رود و مفهومی مشابه حبس مؤبد دارد. به همین دلیل برای درک دقیق‌تر این عبارت، باید به متون حقوقی مراجعه کرد که این اصطلاحات در آن‌ها به کار می‌روند.

۲.۶ واژگان حبس و حبس ابد در ادبیات تقنینی کشورهای عرب زبان

تفاوت دو واژه حبس و زندان (سجن) در ادبیات تقنینی کشورهای عربی زبان مشهود است. از جمله آنکه طبق ماده ۶۷ از فصل اول قانون جزای امارات ۱۵ مجازات‌های اصلی بدین شرح ذکر شده است: عقوبات القصاص والدیة، الإعدام، السجن المؤبد، السجن المؤقت، الحبس، الحجز و الغرامة. و بین سجن و حبس قائل به تفکیک شده و بیان می‌دارد: زندان عبارت است از قرار دادن محکوم در یکی از مراکز یا مؤسسات کیفری که قانون بدین منظور تعیین کرده است، در صورتی که زندان مادام‌العمر باشد، مادام‌العمر یا در صورت موقت بودن برای مدتی که برای آن تعیین شده است. مدت زندان موقت نمی‌تواند کمتر از (۳) سه سال و از (۱۵) پانزده سال بیشتر باشد، مگر اینکه قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد. و در ماده ۷۰ تصریح می‌دارد: حبس عبارت است از قرار دادن محکوم در یکی از مراکز یا مؤسسات کیفری که قانون به این منظور تعیین کرده است تا مدتی که محکوم می‌شود. حداقل مدت حبس نباید کمتر از یک ماه و حداکثر مدت آن از سه (۳) سال تجاوز کند، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. و طی ماده ۷۶ تا ۷۹ به بیان تفاوت و آثار هریک پرداخته است.

در قانون جزای عراق (قانون العقوبات العراقي رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹ المعدل) نیز این ادبیات کاملاً مشهود بوده و کیفرهای اصلی در ماده ۸۵ قانون چنین بیان شده است: الإعدام، السجن المؤبد، السجن المؤقت، الحبس الشديد، الحبس البسيط، الغرامة، الحجز فی مدرسة الفتيان الجانحين و الحجز فی مدرسة إصلاحية.

مقنن در ماده ۸۷ قانون فوق، ۱۶ علاوه بر تفکیک حبس از زندان، قائل به تفاوت میان سجن المؤبد و السجن مدی الحیاه شده و از دو واژه با دو بار معنایی متفاوت بهره مند می‌گردد و با این عبارت که: وشدت عقوبة السجن المؤبد إلى السجن مدی الحیاه ولا تنتهی إلا بوفاة المحکوم، به ذهن متبادر می‌سازد که تا قبل از این اصلاحیه، زندان موبد لزوماً تا پایان زندگی محکوم مدنظر قانون

^{۱۵} مرسوم بقانون اتحادی رقم ۳۱ لسنة ۲۰۲۱ بإصدار قانون الجرائم والعقوبات امارات متحده عربی

^{۱۶} السجن هو ايداع المحکوم عليه في إحدى المنشآت العقابية المخصصة قانوناً لهذا الغرض لمدة عشرين سنة ان كان مؤبداً والمدة المبينة في الحكم ان كان مؤقتاً. ومدة السجن المؤقت أكثر من خمس سنوات إلى خمس عشرة سنة ما لم ينص القانون على خلاف ذلك. ولا يزيد مجموع مدد العقوبات السالبة للحرية على خمس وعشرين سنة في جميع الأحوال وإذا أطلق القانون لفظ السجن عد ذلك سجناً مؤقتاً. ويكلف المحکوم عليه بالسجن المؤبد أو المؤقت بأداء الاعمال المقررة قانوناً في المنشآت العقابية. (الني نص المادة (۸۷) وحل محلها النص الحالي بموجب قانون التعديل الاول المرقم ۲۰۷ لسنة ۱۹۷۰. وشدت عقوبة السجن المؤبد إلى السجن مدی الحیاه ولا تنتهی إلا بوفاة المحکوم استناداً لأمر المدير الإداری لسلطة الائتلاف المؤقتة رقم ۳۱ القسم ۲ المؤرخ في ۳۱ أيلول ۲۰۰۳).

گذار نبوده است. و با انقضای ۲۰ سال محکوم آزاد می‌گردد است. و بعد در ادامه بیان می‌کند: حبس شدید عبارت است از قرار دادن محکوم علیه در یکی از اماکن کیفری که قانوناً بدین منظور برای مدت مقرر در حکم تعیین شده است. مدت آن کمتر از سه ماه و بیش از پنج سال نخواهد بود. اما حبس ساده عبارت است از قرار دادن محکوم علیه در یکی از اماکن کیفری که قانوناً برای این منظور در نظر گرفته شده است تا مدتی که در حکم تعیین شده است. که مدت آن نباید کمتر از بیست و چهار ساعت باشد و از یک سال تجاوز نکند مگر اینکه قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد.

این امر در قانون اردن نیز قابل ملاحظه است و محکومیت به حبس با زندان (سجن) از حیث جرائم مربوطه، مدت، محل اجرا و امکان تبدیل کاملاً متفاوت است. در ماده ۵ قانون عقوبات الجزایر مصوب ۲۰۱۲ نیز این تفکیک کاملاً مشهود بوده و مجازات در جنایات را الإعدام، السجن المؤبد، السجن المؤقت (از ۵ تا ۲۵ سال) بیان می‌کند و کیفر اصلی در جنحه را الحبس (۲ ماه تا ۵ سال) می‌خواند. در قانون عقوبات مصر ۱۷ نیز این تفاوت محرز است و مقنن تصریح میدارد: جنایات جرائمی هستند که مجازات آن الإعدام، السجن المؤبد، السجن المشدد و یا السجن است و جنحه، جرایمی است که با حبس و غرامت عقوبت می‌شود. و مقنن آگاهانه در دو موضع از دو لفظ سجن و حبس مدد جسته و در نحوه و مدت اعمال آن قائل به تفاوت گردیده است. در ماده ۱۴ قانون مجازات مصر شماره ۵۸ ۱۹۳۷ اصلاح شده توسط قانون شماره ۹۵، حبس ابد را با واژه «سجن موبد» چنین تعریف می‌کند: قرار دادن محکوم علیه در یکی از زندانهای تعیین شده به موجب قانون و اشتغال در آن در مشاغلی که از طرف دولت تعیین می‌شود که مدت آن به مدت حیات وی است. (شاتی حسین)

براساس قوانین مرقوم به نظر عموماً اگر مدت مجازات کمتر از سه سال و از بیست و چهار ساعت بیشتر باشد حبس نامیده می‌شود و اگر از سه سال بیشتر شود تا تمام عمر محکوم به سجن نامیده می‌شود (مصعب ایمن، بی تا) مجازات زندان در قوانین جزایی از طریق قرار دادن محکوم در یکی از زندانهای عمومی و به کار انداختن وی در داخل یا خارج از زندان در مشاغلی که دولت تعیین می‌کند در جنایات است، اما حبس مجازات اصلی است در مواد جنحه و تخلفات (جندی، بی تا، ص. ۶۰ ج ۵)

بنابراین بررسی قوانین کشورهای مختلف حاکی از آن است که در زمانی که سخن از کیفر سالب آزادی در جنایات به میان می‌آید از واژه «سجن» بهره گرفته و در جنحه (۲۴ ساعت تا سه سال)؛ مقنن از «حبس» مدد می‌جوید. در زندان کردن افراد بعضاً مکان به حدی موضوعیت می‌یابد که در کشور مصر مکانی مختص به عنوان «اللیمان» جهت اجرای کیفر «سجن» موضوعیت می‌یابد و زندان مشدده مستلزم طی دوره حبس در «لیمان» است و گفته می‌شود در مجازات «سجن»، محکوم در یکی از زندانهای عمومی نگهداری می‌شود و مدت آن کمتر از سه سال و بیشتر از پانزده سال نیست. تفاوت اصلی آن با زندان مشدد و زندان ابد در نوع فعالیت‌هایی است که محکوم باید انجام دهد و همچنین محل اجرای حکم. حبس ابد برای مردان در زندان لیمان سپری می‌شود. و زنان و مردان دارای بیش از ۶۰ سال سن که به حبس ابد یا حبس‌های شدیدتر محکوم شده‌اند، در زندان عمومی به سرخواهند برد. البته در قانون عقوبات کویت از واژه «الحبس» استفاده شده و کیفر حبس، کیفری به جز سجن نیست. در ماده ۵۷ مجازاتهای اصلی که طبق قانون می‌توان درباره آنها حکم صادر کرد عبارتند از: اعدام، حبس ابد و حبس موقت و در ماده ۶۱ آمده: حبس ابد به معنای گذراندن تمام عمر محکوم در زندان است و همیشه با کار همراه است.^{۱۸}

مقنن در لبنان^{۱۹} سخن از حبس با اعمال شاقه ابدی (الاشتغال الشاقه الموبد) به میان آورده و در قانون مصوب ۱۹۴۳، از اعتقال موبد و اعمال شاقه موبد استفاده کرده و الفاظ السجن الموبد و السجن مدی الحياه به کار نرفته است.

^{۱۷} قانون العقوبات رقم ۵۸ لسنة ۱۹۳۷. آخر تعديل: ۱۵ أغسطس ۲۰۲۱ بالقانون ۱۴۱ لسنة ۲۰۲۱

^{۱۸} المادة رقم ۵۷ العقوبات الأصلية التي يجوز الحكم بها طبقاً لهذا القانون هي: (أ) الإعدام، (ب) الحبس المؤبد، (ج) الحبس المؤقت.

المادة رقم ۶۱ الحبس المؤبد يستغرق حياة المحكوم على هم ويكون مقترناً بالشغل دائماً.

^{۱۹} مواد ۳۷ تا ۶۰ از قانون عقوبات لبنان (مرسوم اشتراعی رقم ۳۴۰ - صادر فی ۱/۳/۱۹۴۳)

در ماده ۱۴ قانون جزای اردن شماره ۱۶ مصوب ۱۹۶۰ نیز مجازات در جنایات مقرر شد: مجازات کیفری عبارتند از: اعدام، حبس ابد (الاشتغال الشاقه الموبد)، حبس ابد (الاعتقال الموبد)، کار شاقه موقت (الاشتغال الشاقه الموقت) و بازداشت موقت (الاعتقال الموقت). اصطلاح الأشغال الشاقه المؤبدة به مجازات حبس ابد اشاره دارد که در کد جزایی طبقه‌بندی شده است. قانونگذار اردن در مصوبه ۱۹۶۰، مجازات حبس ابد را (کار شاقه دائمی) تعبیر کرده است و در ماده ۱۵ در بیان کیفر جنایات به اعمال اعتقال موبد و اعمال شاقه موبد اشاره شده و در مقام کیفر جرائم جنحه، به واژه حبس اشاره شده است. طبق مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۱، منظور از اعتقال، قرار دادن محکوم در یکی از زندان‌های کشور برای مدت ۳ تا ۱۵ سال و حبس، قرار دادن محکوم در یکی از زندان‌های ایالتی برای مدتی که محکوم می‌شود که از یک هفته تا سه سال است. احمد عبدالسلام با بررسی قانون کیفری اردن معتقد است: فقه کیفری، مجازات حبس را به عنوان مجازاتی تعریف کرده که به معنای سلب آزادی محکوم برای مدت معینی است. (عبدالسلام، ۲۰۲۱)

با بررسی مواد و ادبیات تقنینی در برخی از کشورهای عرب زبان و مسلمان که متأثر از فقه اسلامی است به نظر می‌رسد الفاظی مانند سجن، حبس، اعتقال و... در جایگاه‌های معنایی متفاوتی به کار رفته و اساساً واژه حبس در جرایم جنحه که مجازات غیرابدی دارد استعمال گردیده است. لذا از واژه حبس در ادبیات رایج امروزه معنای طویل المدت بودن استنباط نشده و زمانی از این لفظ بهره می‌گیرند که بیشتر ناظر بر نوعی محدودیت در آمد و شد و انجام امور روزانه است و به نظر می‌رسد در مواردی که از واژه سجن استفاده شده مانند السجن الموبد و یا السجن مدی الحیاه مکان حبس موضوعیت دارد، اما در موارد استعمال واژه حبس نوعی محدودیت مورد نظر واضح است که هرچند گاه مقید به پسوند ابد شده است اما عموماً این غایت زمانی لزوماً مرگ محکوم نبوده و شرایطی مانند توبه کردن، اسلام آوردن، ادای دین کردن و... وصف ابدیت را از حبس می‌زداید. در ادبیات تقنینی کشورهای عرب زبان حبس و زندان از جهات مختلفی با یکدیگر تفاوت دارند: از نظر جرائم مستوجب سلب آزادی: مجازات زندان، مجازات جرائمی است که در دسته جرائم جنایی (جنایات) قرار دارند، در حالی که مجازات حبس در انواع آن (مانند حبس تادیبی) کیفر جرائم جنحه‌ای است. از نظر مدت مجازات: حداقل مدت مجازات حبس که قانون تعیین کرده، ۲۴ ساعت و حداکثر آن سه سال است. در مقابل مدت زندان از سه سال بیشتر است. از نظر محل اجرای مجازات: قانون عمدتاً بیان داشته محکومان به مجازات حبس می‌توانند مجازات خود را در مراکز اصلاح و تربیتی بگذرانند و مکان نگهداری ایشان از مرتکبان جنایت متفاوت است. از نظر امکان تبدیل مجازات: قانون مجازات برای محکوم به مجازات حبس امتیازی قائل شده است که به کسی که به مجازات سجن (کارهای سخت و بازداشت) محکوم شده، داده نمی‌شود. مانند امکان تبدیل به جریمه نقدی. بنابراین خالد آل فهاد معتقد است که حبس وقتی به کار می‌رود که هدف جلوگیری از خروج برای مدت کوتاه، خواه برای تحقیق در مورد چیزی یا برای احراز چیزی است، در حالی که زندان برای مدت طولانی یا برای جرایم بزرگ و مانند آن است. (آل فهاد).

۳. رویکرد جدید نسبت به واژه «حبس» و «زندان» در ایران

تفکیک بین حبس و سجن در ادبیات اخیر تقنینی ایران قابل مشاهده بوده و در تفکر تقنینی اخیر در لوایح و طرح‌های پیشنهادی مطرح گردیده است. اخیراً مجلس طرحی را به عنوان اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی از احکام راجع به مهریه به شماره ثبت ۲۴۲ ارائه نموده که در ۲۹ مهر ۱۴۰۳ اعلام وصول گردیده است. در متن ماده یک پیشنهادی، ۴ تبصره به عنوان تبصره‌های (۳)، (۴)، (۵) و (۶) به ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ الحاق گردیده و که در تبصره ۳ بیان می‌دارد:

«تبصره ۳- مراد از حبس در این قانون اعم از «نگهداری شخص در زندان» یا «محدود کردن شخص با استفاده از نظارت سامانه‌های الکترونیکی» است.» مقنن در طرح پیشنهادی خود فارغ از اینکه این طرح به تصویب نهایی برسد یا خیر، دیدگاه جدیدی را مطرح و ادبیات تازه‌ای را بنیان نهاده و تعریف جدیدی از حبس ارائه داده و آن را اعم از «نگهداری شخص در زندان» یا «محدود کردن شخص با استفاده از نظارت سامانه‌های الکترونیکی» می‌داند. هرچند در ابتدای ماده اشاره می‌کند که این تعبیر از حبس منحصر به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است اما نکته قابل تامل آن است که مقنن ولو در مقام نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، پذیرفته است که حبس متفاوت از زندانی شدن است و ممانعت از روابط و رفت و آمدهای آزادانه نیز داخل در شمول «حبس» است. در پیش نویس لایحه پیشنهادی تعزیرات، ضمن آنکه حبس ابد طی ماده ۱۲ پیشنهادی محدود به ۳۰ سال گردیده، لحاظ مجازات‌هایی به عنوان مجازات اجتماعی، با لحاظ معنا و مفهوم حبس و تفاوت معنایی آن با سجن، می‌تواند بستر خوبی برای تبیین کیفرهایی مانند ممنوعیت تردد یا حبس خانگی پایان هفته مانند ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی بوده و یا کیفرهای محدود کننده در قالب بند الف ماده ۹ پیشنهادی به عنوان کیفر اصلی به صورت دوره مراقبت لحاظ گردد که به نظر این امر به معنای واژه «حبس» نزدیکتر بوده و مشروعیت اعمال این کیفر ملموس تر خواهد بود.

لازم به ذکر است قبلاً نیز مقنن فضاهایی به جز زندان را برای تحمل کیفر حبس در نظر گرفته و مستند به ماده ۴۲ قانون مبارزه با مواد مخدر به قوه قضائیه اجازه داده که بخشی از محکومان مواد مخدر را به جای زندان در اردوگاه‌های خاص (با شرایط سخت و عادی) نگهداری نمایند. و در تبصره دو بدون استثنا نمودن محکومین به حبس ابد، اعلام می‌دارد که دادگاه‌ها می‌توانند به جای کیفر حبس، کیفر توقف در اردوگاه‌ها را برای محکومین معین نمایند.

بنابراین، «حبس» به صورت یک محکومیت شرعی و وضعی، نه لزوماً به معنای زندان و مکان خاص و محدود، بلکه به معنای محدودسازی فرد در محیط و تصرف در امور خودش است و می‌تواند در هر مکانی (مانند منزل، مسجد و ...) اجرا شود و فقط در زندان محدود نمی‌شود. این نگرش امکان بهره‌مندی از نهادهای ارفاقی، آزادی مشروط، نیمه آزادی و بهره‌گیری از ساز و کارهای الکترونیک را مهیا و موجب نزدیک تر شده به تحقق اهداف نظام حقوق کیفری خواهد شد.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی صورت گرفته بر روی متون قانونی کشورهای عرب زبان و احکام فقهی و آیات متضمن واژگانی با بار معنایی «حبس» محرز گردید واژه حبس در زبان عربی عام تر از واژه سجن بوده و در اعمال حبس ملاک محدودیت است و مکان نگاهداشتن موضوعیت ندارد. واژه حبس در فارسی و عربی اشتراک لفظی دارند اما لزوماً از منظر معنایی یکسان نبوده و معنای واحدی را به ذهن متبادر نمی‌سازند و چه بسا در زبان فارسی واژه حبس نزدیک تر به واژه زندان است در حالی که قرابت این دو واژه در زبان عربی به این نحو نبوده و اگر در ادبیات کهن تقنینی و لسان فقها بعضاً این واژه به جای هم به کار رفته است اما ادبیات تقنینی امروزی کشورهای عرب زبان، حبس متعلق معنای محدودیت در آمد و رفت یا محدودیت در بهره‌برداری از مال است. و محدودیت افراد در دخالت در امور روزانه لزوماً مستلزم حضور در زندان نیست. بنابراین با توجه به قرابت واژگانی و نظر به اینکه مقنن از کتب عربی زبان و متون فقهی مدد جسته تا به تبیین کیفر بپردازد، باید تفاوت معنایی و گستره معنایی واژگان در ادبیات تقنینی مورد توجه قرار گیرد. چه بسا در موارد حدی و یا تعزیرات منصوص شرعی مراد از حبس، زندان نبوده و مراد از حبس مادام‌العمر، مخلد در سجن نباشد و اعمال حبس ابد در زندان فاقد مشروعیت باشد. لذا قانون گذار می‌بایست با توجه به تفاوت دو واژه حبس و زندان، ضمن تفکیک این دو واژه از یکدیگر در خصوص تفکیک در مکان، نحوه اعمال کیفر و امکان اعمال نهادهای ارفاقی، تدابیر لازم اندیشیده و از تسری زندان به مجازات حبس خودداری نماید. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند پابند الکترونیکی و یا اعمال محدودیت‌های اجتماعی هوشمند یا حبس خانگی می‌بایست در سیاست‌های کیفری، در رأس برنامه‌ها قرار گرفته و تلاش گردد با حذف زندان غیر ضروری، هزینه‌های مالی برای دولت، هزینه‌های اجتماعی برای خانواده زندانیان و هزینه‌های روحی و اجتماعی

برای زندانیان را به حداقل رساند و با تدبیر و تبیین زنجیره ای از محرومیتها، محدودیتها و ممنوعیتها، هزینه جرم را برای مجرمان افزایش داده و سودمندی آن را به حداقل رساند.

منابع:

منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۷۷). **حقوق جزای عمومی**. تهران: نشر میزان.
- الهام، غلامحسین، وطنی، امیر، و حسن‌زاده، محبوبه. (۱۳۹۶). **ضرورت تحدید مجازات زندان با تکیه بر تفاوت حبس و سجن در منابع و ادبیات فقهی**. پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، ۵-۳۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۳). **ترمینولوژی حقوق**. چاپ ۱۴. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- جمعی از مؤلفین. (۱۳۹۴). **فرهنگ‌نامه علوم قرآنی**. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۰). **لغت‌نامه دهخدا**. ج ۲۷. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سپهری، محمد. (۱۳۸۲). **زندان از دیدگاه اسلام (بررسی مشروعیت، موارد و احکام زندان)**. تهران: انتشارات امید دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**. تهران: میزان.
- ملک‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۵). **دانشنامه حقوقی (حقوق مدنی)**. ج ۲. تهران: مجد.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۷). **پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر**. قم: ارغوان دانش.
- معین، محمد. (۱۳۷۰). **فرهنگ فارسی**. ج ۲، چاپ ۶. تهران: چاپخانه سپهر.

منابع غیرفارسی

- أبو الحسین أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي. (۱۳۹۹هـ/۱۹۷۹م). **معجم مقاییس اللغة**. بی‌جا: دار الفکر.
- ابن تیمیہ. (۱۴۲۱ق). **مجموع الفتاوی**. بیروت: چاپ مصطفی عبدالقادر عطا.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). **الخصال**. قم: جامعه مدرسین.
- ابن فرحون، برهان الدین. (۱۴۰۶ق). **تبصره الحکام فی اصول الاقضية و مناهج الاحکام**. مصر: مكتبة الكليات الأزهرية. بازیابی شده از: <https://shamela.ws/book/21595>
- احمد، عبدالسلام. (۲۰۲۱، ۶ سپتامبر). **الفرق بين عقوبتي الحبس والسجن**. بازیابی شده از حمایه الحق للمحامات: <https://jordan-lawyer.com>
- آل فهد، خالد بن عایض بن محمد. (بی‌تا). **التعزیر بالسجن فی الفقه الإسلامی والنظام السعودی: دراسة مقارنة**. ریاض: کلیة الملك فهد الآمنیة، ۹۷۷-۱۰۴۱.
- اسماعیل بن حماد جوهری. (۱۴۱۰ق). **الصاحح، تاج اللغة و صحاح العربیة**. چاپ اول. بیروت: دارالعلم للملایین.

- بنياد دائرة المعارف اسلامی. (بی.تا). دانشنامه جهان اسلام.
- حسن، ابو غده. (۱۹۸۷م). **أحكام السجن ومعاملة السجناء في الإسلام**. كويت: مكتبة المنار.
- حسين، جاسم، و حسين، شاتي حسين. (بی.تا). **الفلسفه التشريعيه لعقوبه السجن مدى الحياه في التشريع العراقي**. مجله جامع البيان - الكنوز جامعه، ۱۲۹-۱۵۰.
- خوئی، سيد ابوالقاسم. (بی.تا). **مبانی تکملة المنهاج**. قم، ايران: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد بن مفضل. (۱۴۰۴ق). **المفردات في غريب القرآن**. بی.جا: دفتر نشر الكتاب. بازیابی شده از: <https://lib.eshia.ir/15362/1/0>
- الرويشد، مصعب أيمن. (بی.تا). **عقوبة الحبس في الشريعة والقانون**. الكويت: معهد الكويت للدراسات القضائية والقانونية.
- الزبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسين أبو الفيض، الملقب بمرتضى. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بيروت: دار الفكر.
- شاهرودي، سيد محمود هاشمي. (۱۳۸۲). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام**. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸). **المبسوط في فقه الامامية**. ج ۳ و ۴. تهران: چاپ محمدباقر بهبودی.
- عبد المنعم، محمود عبد الرحمن. (۱۳۷۸ش/۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م). **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية**. القاهرة: دار الفضيلة.
- عبد الملك بك جندی. (بی.تا). **الموسوعة الجنائية**. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- عبدالله جاسم جاسم كاظم. (۱۴۴۲ق/۲۰۲۱م). **احكام السجن و الحبس في فقه الاسلامي و التشريعات القانونية**. كليه الدراسات الاسلاميه جامعه الازهر، العدد الرابع، ۳۲۴۷-۳۳۵۱.
- علی اکبر قرشی بنابی. (۱۴۱۲ق). **قاموس قرآن**. تهران: دار الكتب الاسلاميه.
- علی بن حسام الدين متقی. (۱۴۱۹ق). **كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال**. به كوشش محمود عمر دمیاطی. بيروت: دار الكتب العلمية.
- الفيروزآبادی، مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب. (۱۴۲۶هـ/۲۰۰۵م). **القاموس المحيط**. بيروت: مؤسسه الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع.
- گلیپایگانی، سيد محمدرضا. (۱۴۱۷ق). **هداية العباد**. قم: دار القرآن الكريم.
- كتنای، محمد عبدالحی بن عبدالكبير. (بی.تا). **نظام الحكومة النبوية، المسمى التراتيب الادارية**. بيروت: دارالكتاب العربي.
- خالصی، محمدباقر. (۱۴۱۳ق). **كتاب أحكام المحبوسين في الفقه الجعفري**. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۹). **فقه الإمام جعفر الصادق**. قم: انصاریان.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). **المقنعة**. قم: كنجره جهانی هزاره شیخ مفید.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). **جواهر الكلام**. به كوشش ابراهيم سلطانی نسب. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- ابن منظور الأنصاري الرويفي الإفريقي، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بيروت: دار صادر.

- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).

قوانین و مقررات استنادی:

-آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور. (۱۴۰۰). مصوب ۱۴۰۰/۰۲/۲۰، رئیس قوه قضاییه.

-القانون الجنائی التونسى.

-قانون تنظيم السجون مصر. (۱۹۵۶). رقم ۳۹۶ لسنة ۱۹۵۶.

-قانون العقوبات دولة الكويت. (۱۹۶۰). قانون رقم ۱۶ لسنة ۱۹۶۰ بإصدار قانون الجزاء.

-قانون عقوبات اردن. (۱۹۶۰).

-قانون عقوبات الجزائر. (۲۰۱۲).

-قانون عقوبات امارات. (۲۰۲۱). مرسوم بقانون اتحادى رقم ۳۱ لسنة ۲۰۲۱ بإصدار قانون الجرائم والعقوبات.

-قانون عقوبات عراق. (۱۹۶۹). قانون العقوبات العراقى رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹ المعدل.

-قانون عقوبات لبنان. (۱۹۴۳). مرسوم اشتراعى رقم ۳۴۰، صادر فى ۱/۳/۱۹۴۳.

-قانون عقوبات مصر. (۱۹۳۷). رقم ۵۸ لسنة ۱۹۳۷. آخر تعديل: ۱۵ أغسطس ۲۰۲۱ بالقانون ۱۴۱ لسنة ۲۰۲۱.

-قانون مجازات اسلامى. (۱۳۹۹). مصوب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.